

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۳، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۴۵ تا ۶۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

آپارتاید در نظام دادرسی کیفری

امیررضا محمودی استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران
شادی رفیعی کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

چکیده

آپارتاید در نظام دادرسی کیفری به بررسی تبعیض‌های نژادی و اجتماعی می‌پردازد که منجر به نابرابری در دسترسی به عدالت می‌شود. این پدیده، به ویژه در کشورهایی با تاریخچه‌های خاص، گروه‌هایی را به دلیل ویژگی‌های نژادی یا قومی خود با تحقیر و نابرابری مواجه می‌کند. تحقیق حاضر به تحلیل تاریخچه آپارتاید و تأثیرات آن بر فرآیندهای دادرسی می‌پردازد و بی‌عدالتی‌های قانونی و نژادی را که منجر به سوءاستفاده از قدرت می‌شود، بررسی می‌کند. این مطالعه همچنین تأثیر اجتماعی و فرهنگی آپارتاید بر اعتماد عمومی به نظام عدالت را مورد توجه قرار می‌دهد. با استفاده از روش‌های تحلیلی، الگوهای آپارتاید در دادرسی‌های کیفری و نادیده گرفتن حقوق بشر شناسایی می‌شوند. نتایج شامل پیشنهاداتی برای اصلاح سیستم و ارتقاء عدالت اجتماعی است. اهداف این تحقیق شامل افزایش آگاهی عمومی، تعیین راهکارهای مقابله با تبعیض و بررسی نقش نهادهای بین‌المللی در حمایت از حقوق بشر در نظام‌های کیفری است. آپارتاید در نظام قضایی خود را به شکل‌های مختلفی نشان می‌دهد؛ از جمله تبعیض در اعمال قانون و نابرابری در دسترسی به وکلا. این تحقیق همچنین تجارب کشورهای مختلف در مقابله با این پدیده را بررسی کرده و بر ضرورت تغییرات در نظام‌های قضایی برای رفع نابرابری‌ها تأکید دارد. هدف نهایی ارتقاء عدالت اجتماعی و حقوق انسانی برای همه افراد جامعه است.

واژگان کلیدی: آپارتاید، تبعیض نژادی، تفکیک نژادی، دادرسی کیفری، حقوق بشر، نابرابری، جرم انگاری.

مقدمه

عرصه علم و دانش همواره به عنوان یکی از مهم ترین عامل توسعه و تعالی جوامع به شمار می آید. دستیابی به علم و دانش نه تنها باعث افزایش شخصیت فردی و تقویت آگاهی انسان می گردد بلکه می تواند در تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، پیشرفت و توسعه را به همراه داشته باشد. شیوه ها و راهکارهای مقابله با تبعیض نژادی می تواند حقوقی و غیرسیاسی باشد. موضوع حیاتی و بسیار مهم این است که تبعیض نژادی که برخی از آن با عنوان «آپارتاید» یاد می کنند، علاوه بر بسیاری از محدودیت ها در عرصه داخلی، کشور را در عرصه نظام دادرسی کیفری با مشکلات فراوانی مواجه می کنند.

نظام های حقوقی و قضایی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و تأثیر مستقیم علم و آگاهی بر فرآیندهای دادرسی و اجرای عدالت، بسیار قابل توجه است.

آپارتاید به عنوان یک نظام قانونی مبتنی بر تبعیض نژادی، نه تنها زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار داد، بلکه به طور مستقیم نظام دادرسی کیفری را نیز دچار بحران کرد. در چنین سیستمی، اصول بنیادین عدالت، مانند برابری در برابر قانون و دسترسی عادلانه به حقوق، به شدت نادیده گرفته می شوند. متهمان و محکومان که به نژادهایی با تاریخچه ای از سرکوب تعلق دارند، غالباً با مجازات های متفاوت و شدیدتری مواجه می شوند و این وضعیت به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای قضایی منجر می شود. آپارتاید به عنوان یک نظام تبعیض نژادی در تاریخ معاصر، تأثیرات عمیق و گسترده ای بر جوامع مختلف به ویژه در زمینه های حقوق بشری و قضایی داشته است. در نظام دادرسی کیفری، آپارتاید به معنای وجود نابرابری و تبعیض در برخورد با متهمان و محکومان بر اساس نژاد یا قومیت آنان می باشد. این پدیده تاریخی، ریشه در عقاید نادرست نژادی دارد که به کارکردهای قانونی و اجتماعی نظام قضایی آسیب می زند.

با بررسی قوانین و رویه های قضایی، مشاهده می شود که افراد متعلق به گروه های نژادی خاص، به ویژه در جوامع با تاریخ آپارتاید، بارها با نابرابری های جدی مواجه شده و حقوق قانونی آنها نادیده گرفته شده است. این تبعیضات نه تنها بر فرآیند دادرسی تأثیرگذار است، بلکه باعث ایجاد احساس ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به نظام عدالت در میان مردم می شود. آپارتاید در نظام دادرسی کیفری به وضعیتی اشاره دارد که در آن نابرابری های نژادی و تبعیض آمیز بر فرآیندهای قضایی حاکم است. در چنین سیستمی، حقوق بشر و اصول بنیادین عدالت مورد تعرض قرار می گیرد و گروه های خاصی از جمعیت به دلیل نژاد یا قومیت خود، عملاً از دسترسی به عدالت و حمایت قانونی محروم می شوند. این موضوع نه تنها بر چگونگی اجرای قانون تأثیر می گذارد، بلکه همچنین به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و تشدید احساس بی عدالتی در جامعه منجر می شود. بررسی ابعاد آپارتاید در نظام دادرسی کیفری، اهمیت زیادی در درک چالش های موجود و راه های اصلاح آن دارد. آپارتاید، به عنوان یک سیستم اجتماعی و سیاسی تبعیض آمیز، تأثیرات عمیقی بر نظام دادرسی کیفری در کشورهای مختلف داشته است. در این مقاله، به بررسی نحوه شکل گیری و عملکرد آپارتاید در سیستم های قضایی، نقض حقوق بشر، و تبعیض های نژادی

خواهیم پرداخت. همچنین، پیامدهای این نظام بر عدالت و انصاف در محاکمات کیفری و چگونگی تأثیر آن بر اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. (یوسفی، ۵۲: ۱۳۹۹).

تعریف آپارتاید

آپارتاید در نظام دادرسی کیفری به معنای کاربرد سیستماتیک تبعیض و نابرابری در برخورد با افراد بر اساس نژاد، قومیت، یا ویژگی‌های اجتماعی است، جایی که قوانین آپارتاید به تفکیک و نژادپرستی قانونی می‌پرداختند. در این نظام، حقوق شهروندی برخی اقوام به‌طور سیستماتیک محدود می‌شود و آنان از دسترسی برابر به عدالت محروم هستند. در نظام دادرسی کیفری مبتنی بر آپارتاید، اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر غالباً به دلیل نژاد یا قومیت خود مورد تبعیض قرار می‌گیرند. این تبعیض می‌تواند در مراحل مختلف دادرسی، از بازداشت و تحقیقات پلیسی تا محاکمه و صدور حکم، مشاهده شود. به عنوان مثال، ممکن است افراد از اقلیت‌ها به شدت تحت پیگرد قانونی قرار گیرند، در حالی که رفتارهای مشابه در مورد اکثریت نادیده گرفته شود.

آپارتاید به‌طور کلی موجب توسعه حس بی‌اعتمادی به نظام قضایی می‌شود و سبب‌ساز نارضایتی اجتماعی و سیاسی می‌گردد. در چنین نظام‌هایی، عدالت به وابستگی نژادی تبدیل می‌شود و حقوق بشر به شدت نقض می‌شود. بنابراین، مفهوم آپارتاید تنها محدود به قوانین بلکه شامل رفتار و سیاست‌هایی است که به‌طور سیستماتیک به تبعیض و نابرابری دامن می‌زنند. (آقاحسینی، ۹۵: ۱۳۸۷).

این پدیده به‌طور کل نظام دادرسی کیفری را به چالشی جدی تبدیل کرده و تلاش‌ها برای برقراری عدالت و انصاف را با دشواری مواجه می‌سازد. در نتیجه، مبارزه با آپارتاید و هر نوع تبعیض در نظام دادرسی کیفری یکی از اهداف کلیدی در راستای تحقق حقوق بشر و عدالت اجتماعی است. آپارتاید در نظام دادرسی کیفری به تبعیض نژادی و اجتماعی اشاره دارد که به‌طور سیستماتیک در برخورد با متهمان و مجرمین اعمال می‌شود. در این نظام، حقوق شهروندی برخی گروه‌ها، به ویژه اقلیت‌ها، به‌طور غیرمنصفانه‌ای محدود می‌شود. این نوع تبعیض می‌تواند شامل نابرابری در دسترسی به وکیل، تمایز در مجازات‌ها، و عدم توجه به حقوق بشر باشد.

قوانین و سیاست‌ها در چنین نظامی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که گروهی خاص از جامعه را به‌طور مداوم تحت پیگرد قرار دهند، در حالی که گروه دیگر از حمایت‌های بیشتری برخوردار می‌شوند. این وضعیت منجر به نارضایتی اجتماعی و بی‌اعتمادی به نظام قضایی می‌شود. آپارتاید در دادرسی کیفری همچنین می‌تواند به فرایندهای ناعادلانه‌ای مانند قضاوت‌های اشتباه و صدور احکام ناعادلانه منجر شود. در نهایت، این پدیده نه تنها موجب نقض حقوق بشر می‌شود، بلکه ثبات اجتماعی و سیاسی را نیز تهدید می‌کند. مبارزه با آپارتاید در دادرسی کیفری از مهم‌ترین جنبه‌های تحقق عدالت اجتماعی است. (فخاری و دیگران، ۱: ۱۳۹۲).

تعریف آپارتاید از لحاظ لغوی

آپارتاید (Apartheid) است که به معنای «تفکیک» یا «جدا شدن» است. در این مفهوم، آپارتاید به جداسازی نژادی و اجتماعی میان گروه‌های مختلف انسانی اشاره دارد. از نظر لغوی، این واژه به تفکیک افراد بر اساس نژاد، قومیت یا ویژگی‌های اجتماعی می‌پردازد و مفهوم نظام‌مند و قانونی آن را به وجود می‌آورد. شما می‌توانید آپارتاید را به عنوان رویکردی در نظر بگیرید که به طور سیستماتیک حقوق برخی گروه‌ها را نادیده می‌گیرد. این اصطلاح به تبعیض نژادی و اجتماعی در جوامع مختلف نیز اشاره دارد و نمایان‌گر نابرابری‌های بنیادینی است که در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید. آپارتاید به عنوان یک پدیده ناپسند و نقض‌کننده حقوق بشر در سطح جهانی شناخته می‌شود و با انتقادات زیادی مواجه است. بنابراین، این واژه معانی عمیق‌تری فراتر از تفکیک را نیز در بر می‌گیرد.

تعریف آپارتاید از لحاظ اصطلاحی

آپارتاید به عنوان یک اصطلاح، به سیاست‌ها و مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به جداسازی و تفکیک نژادی، قومی، و اجتماعی در یک جامعه منجر می‌شود. این مفهوم به عنوان یک نظام قانونی و رسمی برای حفظ سلطه نژادی سفیدپوستان بر سیاه‌پوستان و اقلیت‌های دیگر به کار رفته است. آپارتاید شامل قوانینی است که حقوق بشر و حقوق شهروندی گروه‌های مشخصی را محدود کرده و آنها را از فرصت‌های مساوی محروم می‌سازد. به طور کلی، آپارتاید به معنی نابرابری نظام‌مند در دسترسی به خدمات، منابع، و حقوق سیاسی و اقتصادی برای گروه‌های خاص است. این اصطلاح همچنین به رفتارها و سیاست‌هایی اشاره دارد که منجر به ایجاد جدایی و تبعیض در حوزه‌های مختلف اجتماعی، آموزشی و اقتصادی می‌شوند. آپارتاید به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، تبعات عمیق و خطرناکی برای انسجام اجتماعی و توسعه پایدار دارد. در نهایت، این اصطلاح به یک هشدار در مورد خطرات تبعیض و نابرابری‌های جدی در جوامع بشری تبدیل شده است. (ولایتی ونوروزی، ۷۳: ۱۳۸۷).

مفاهیم مرتبط با آپارتاید

۱- تبعیض نژادی: تبعیض نژادی به رفتار ناعادلانه یا نگرش‌های منفی نسبت به افراد بر اساس نژاد یا رنگ پوستشان اشاره دارد. این پدیده می‌تواند در جوامع مختلف وجود داشته و به اشکال گوناگونی نمایان شود. تبعیض نژادی معمولاً ریشه در پیش‌داوری‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارد که منجر به قضاوت‌های نادرست درباره افراد می‌شود. در تحصیلات و آموزش، برخی از دانش‌آموزان بر اساس نژاد خود ممکن است از فرصت‌های یکسان برخوردار نشوند. در زمینه استخدام، افراد ممکن است به دلیل نژادشان از فرصت‌های شغلی مناسب محروم شوند. همچنین در حوزه بهداشت، نابرابری در دسترسی به خدمات درمانی نیز یکی از جلوه‌های این تبعیض است.

عدالت کیفری نیز تحت تأثیر تبعیض نژادی قرار دارد، به طوری که افراد از نژادهای خاص ممکن است با مجازاتهای سخت‌تر یا رفتار ناعادلانه‌تری مواجه شوند. رسانه‌ها نیز نقش مهمی در تقویت یا تضعیف این تبعیض ایفا می‌کنند و معمولاً تصاویری منفی از نژادهای خاص ارائه می‌دهند. تبعیض نژادی می‌تواند عواقب عمیق اجتماعی و اقتصادی بر جای گذارد و باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی و نارضایتی در جوامع مختلط شود. به علاوه، ناتوانی افراد از نژادهای مختلف در مشارکت بهینه در زندگی اجتماعی و اقتصادی، هویت فرهنگی آن‌ها را تضعیف می‌کند.

مبارزه با تبعیض نژادی نیازمند اقدامات جمعی، آموزش و افزایش آگاهی عمومی است. ایجاد قوانین عادلانه و ترویج ارزش‌های برابر در جامعه می‌تواند به کاهش این پدیده کمک کند. در نهایت، تبعیض نژادی نه تنها به فرد آسیب می‌زند بلکه به سلامت و انسجام اجتماعی کل جامعه نیز آسیب می‌زند. تبعیض نژادی به معنای رفتار ناعادلانه یا نابرابر نسبت به افرادی است که به دلیل نژاد، قومیت یا رنگ پوست‌شان مورد قضاوت یا آزار قرار می‌گیرند. این نوع تبعیض در بسیاری از جوامع وجود دارد و می‌تواند به صورت‌های مختلفی ظاهر شود. تبعیض نژادی نه تنها به افراد آسیب می‌زند بلکه جامعه را نیز تضعیف می‌کند. به‌طور کلی، سیستم آپارتاید نمونه‌ای واضح از تبعیض نژادی در نظام دادرسی کیفری بود که نه تنها حقوق اولیه افراد را نقض می‌کرد، بلکه به ایجاد نابرابری‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شد. نهایتاً، با مبارزات طولانی‌مدت و فشارهای بین‌المللی، این نظام به پایان رسید. (مرندی و قربانی، ۹۷: ۱۴۰۰).

تبعیض نژادی به معنای نابرابری و ناعدالتی در رفتار یا سیاست‌هاست که بر اساس نژاد یا قومیت افراد صورت می‌گیرد. این پدیده معمولاً شامل محرومیت افراد از حقوق برابر، فرصت‌های شغلی، آموزش و سایر منابع به دلیل نژادشان می‌شود. تبعیض نژادی می‌تواند به شکل‌های مختلفی از جمله قضاوت‌های نادرست، کلیشه‌ها و سطحی‌نگری بروز کند. این نابرابری‌ها نه تنها بر زندگی فردی افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه به ایجاد و تداوم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز کمک می‌کند. تبعیض نژادی می‌تواند در نظام‌های قانونی، آموزشی و حتی فرهنگ عمومی نیز نفوذ کند. این مشکل جهانی است و در بسیاری از نقاط جهان هنوز هم وجود دارد. مبارزه با تبعیض نژادی نیازمند آگاهی، آموزش و تغییر نگرش‌ها است. ایجاد محیطی عادلانه و برابر نیازمند تلاش جمعی و حمایت از همه اقشار جامعه است. (زارع کهنمویی، ۲۶۸: ۱۳۹۴).

۲- تفکیک نژادی: تفکیک نژادی به معنای جداسازی افراد بر اساس نژاد یا قومیت‌های مختلف است که به منظور تأمین تفاوت‌ها در دسترسی به منابع، حقوق و خدمات اجتماعی انجام می‌شود. این پدیده معمولاً به شکل قوانین یا سیاست‌های دولتی پیاده‌سازی می‌شود و می‌تواند شامل جداسازی‌های فیزیکی یا اجتماعی باشد. تفکیک نژادی می‌تواند در انواع مختلفی از زمینه‌ها مشاهده شود، از جمله آموزش، مسکن، حمل و نقل و حتی خدمات بهداشتی. به طور مثال، در برخی کشورها، مدارس یا محله‌های خاص تنها برای نژاد معینی تأسیس شده‌اند و افراد از نژادهای دیگر نمی‌توانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند.

تاریخچه تفکیک نژادی به دوران‌های مختلف برمی‌گردد. این نوع تفکیک نژادی نه تنها بر بُعد اجتماعی تأثیر گذاشت، بلکه پیامدهای اقتصادی و انسانی سنگینی نیز به همراه داشت. (گرچی، ۱۰۵: ۱۳۷۰).

نوعی از تفکیک نژادی نیز در سیستم آپارتاید وجود داشت که در آن نژادهای مختلف به طور رسمی از یکدیگر جدا شده بودند. این سیاست‌ها منجر به نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی شد و اعتراضات گسترده‌ای را در پی داشت. تفکیک نژادی عموماً پیامدهای منفی بر روابط اجتماعی و اقتصادی دارد و موجب ایجاد تنش‌های میان اقوام و نژادها می‌شود. این مسئله نه تنها به نفع میزبانان اجتماعی نیست، بلکه به زیان کل جامعه و رشد اقتصادی آن نیز می‌باشد. مبارزه با تفکیک نژادی نیازمند آگاهی، آموزش و پیاده‌سازی قوانین عدالت اجتماعی است. بسیاری از کشورها در حال تلاش برای کاهش و حذف این نوع تفکیک هستند و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی راهکارهایی برای بهتر کردن روابط میان نژادها محسوب می‌شوند. تفکیک نژادی به معنای جداسازی و تبعیض براساس نژاد یا قومیت است. این پدیده معمولاً منجر به تقسیم افراد یا گروه‌ها به دسته‌های مختلف می‌شود که هر یک از آن‌ها به صورت مستقل و جداگانه از دیگران زندگی می‌کنند. تفکیک نژادی می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند مسکن، آموزش، شغل و خدمات اجتماعی اتفاق بیفتد.

این عمل معمولاً به هدف تأمین نابرابری‌ها و ایجاد مزایای غیرقانونی برای یک نژاد نسبت به دیگری انجام می‌شود. تفکیک نژادی ممکن است به صورت قانونی، مانند قوانینی که در دوران آپارتاید اجرا می‌شد، یا به طور غیررسمی، از طریق رویه‌های اجتماعی و فرهنگی بروز کند. نتیجه این جداسازی‌ها معمولاً به وجود آمدن تبعیض، نابرابری اجتماعی و ایجاد تنش‌های بین نژادها و قومیت‌ها است. تفکیک نژادی در لغت به معنای تقسیم افراد بر اساس نژاد است. واژه «تفکیک» به عمل و فرایند جداسازی اشاره دارد و «نژادی» به ویژگی‌ها، خصوصیات و هویت نژاد یا قومیت افراد مربوط می‌شود. به طور کلی، این اصطلاح به عمل یا سیاست‌هایی اشاره دارد که نژادها را از یکدیگر جدا کرده و معمولاً با نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی همراه است. (مدرس، ۳۱: ۱۳۵۰).

۳- حقوق بشر و آپارتاید: حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها اطلاق می‌شود که به هر انسانی به طور ذاتی تعلق دارد؛ این حقوق مستقل از ملیت، نژاد، جنسیت، مذهب یا هر ویژگی دیگر هستند. این حقوق شامل حق به زندگی، آزادی، امنیت، آموزش، بیان و خصوصیت شخصی می‌شود.

حقوق بشر به عنوان اصول بنیادین شناخته شده و در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده‌اند. هدف از این حقوق، حفظ کرامت انسانی و ترویج عدالت و برابری در جوامع است.

تبعیض، نقض و ستم باعث نقض حقوق بشر می‌شود و می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و سیاسی منجر گردد. حمایت از حقوق بشر بر عهده دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی است. در نهایت، ارتقاء و حفظ حقوق بشر به شکوفایی و توسعه پایدار جوامع کمک می‌کند. آپارتاید در

نظام دادرسی کیفری به معنای جداسازی نژادی و تبعیض در ارائه حقوق قضایی به افراد بر اساس نژاد است. این نظام موجب نقض جدی حقوق بشر می‌شود و با اصول اساسی حقوق بشر مانند برابری، عدالت و آزادی تضاد دارد.

در نظام دادرسی کیفری که تحت تأثیر آپارتاید قرار دارد، افراد بر اساس نژاد خود به شیوه‌های نابرابر و غیرعادلانه محاکمه و مجازات می‌شوند. این تبعیض در دسترسی به وکیل، عدالت و امکانات قانونی، منجر به افزایش نابرابری و بی‌عدالتی می‌شود. تبعیض نژادی در سیستم قضایی، حق بهره‌مندی از یک محاکمه عادلانه و بی‌طرف را زیر سوال می‌برد. همچنین، حق زندگی و امنیت افراد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی بر این نکته تأکید دارند که آپارتاید در هر شکل آن باید ممنوع و محکوم شود، زیرا این نوع سیستم‌ها حقوق بنیادین انسان‌ها را نقض می‌کنند و به حفظ نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها کمک می‌کنند. رفع تفکیک نژادی در نظام دادرسی کیفری، به تحقق عدالت و برابری حقوق بشر کمک شایانی می‌کند. رابطه حقوق بشر با آپارتاید در نظام دادرسی کیفری یکی از موضوعات حساسی است که تأثیرات عمیقی بر تخلفات و رعایت حقوق شهروندان دارد (عامری و مقدسی، ۱۳۹: ۱۳۹۶). آپارتاید، به معنای جداسازی و تبعیض نژادی، موجب نقض چندین اصل اساسی حقوق بشر می‌شود. در نظام دادرسی کیفری، افراد تحت تأثیر این تبعیض‌ها، به‌ویژه اقلیت‌ها، با ناعدالتی مواجه می‌شوند.

اولین نکته، عدم دسترسی برابر به عدالت است. اقلیت‌ها ممکن است از خدمات حقوقی مناسب و دادگاه‌های مستقل بهره‌مند نشوند. این وضعیت منجر به اجرای نادرست قوانین و نقض حقوق دفاعی می‌شود. همچنین، پلیس و مأموران امنیتی به دلیل تبعیضات موجود، ممکن است به‌رغم شواهد، اتهامات نادرستی را علیه افراد خاصی مطرح کنند.

دومین نکته، تعصب در فرایندهای قضایی است. قاضی‌ها و کارکنان سیستم قضایی ممکن است تحت تأثیر پیش‌داوری‌های نژادی یا اجتماعی قرار گیرند و این منجر به صدور احکام ناعادلانه خواهد شد. در نهایت، آپارتاید نه تنها حقوق فردی را نقض می‌کند بلکه بر روی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جوامع نیز تأثیرگذار است، ایجاد نابرابری‌های عمیق و دائمی در نظام دادرسی. این وضعیت موجب می‌شود که عدالت اجتماعی و رعایت حقوق بشر تحت تأثیر قرار گیرد. حقوق بشر و آپارتاید به‌طور مستقیم با یکدیگر مرتبط هستند و این ارتباط در چندین ابعاد قابل بررسی است:

۱. نقض حقوق بشر: آپارتاید به معنای تبعیض سیستماتیک بر اساس نژاد یا قومیت است که به وضوح حقوق بشر را نقض می‌کند. این نظام باعث می‌شود که گروه‌های خاصی از مردم از حقوق اولیه خود محروم شوند. نقض حقوق بشر در آپارتاید به مجموعه‌ای از اعمال و سیاست‌هایی اشاره دارد که به تبعیض نژادی و ظلم سیستماتیک می‌انجامد. در این نظام، افراد بر اساس نژاد خود از حقوق اولیه انسانی مانند حق به زندگی، آزادی و امنیت محروم می‌شوند. سیاست‌های آپارتاید شامل جداسازی فیزیکی و اجتماعی نژادها، محدود کردن دسترسی به آموزش و خدمات

اجتماعی، و منع مشارکت سیاسی است. این تبعیض‌ها نه تنها به شکل‌گیری جامعه‌ای ناعادلانه منجر می‌شود، بلکه احساس بی‌اعتمادی و تنش‌های اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. عدالت قضایی در این نظام تحت تأثیر نژاد قرار می‌گیرد، با این حال که افراد نژاد مخالف، محکوم به زندان یا مجازات‌های ناعادلانه می‌شوند.

آپارتاید همچنین با نقض آزادی‌های بیان و تجمع، فضای امن برای انتقاد و دادخواهی را نیز محدود می‌کند. بدین ترتیب، نقض حقوق بشر در آپارتاید به بحران‌های اجتماعی و انسانی عمیقی منجر می‌شود.

۲. برابری و عدالت: یکی از اصول بنیادین حقوق بشر، برابری و عدم تبعیض است. آپارتاید با ایجاد تقسیم‌بندی‌ها و تفاوت‌های نژادی، این اصل را زیر پا می‌گذارد. برابری و عدالت در زمینه حقوق بشر در شرایط آپارتاید به شدت مورد نقض قرار می‌گیرد. در این نظام، افراد بر اساس نژاد یا قومیت خود به دو یا چند دسته تقسیم می‌شوند، که منجر به عدم برابری حقوقی خواهد شد. این تبعیض‌ها به معنای نادیده گرفتن حقوق بنیادین انسانی افراد است. عدالت اجتماعی در نظام‌های آپارتاید به طور سیستماتیک به چالش کشیده می‌شود، زیرا اقلیت‌ها از حق بهره‌مندی از خدمات عمومی و حقوق سیاسی منع می‌شوند. حق رأی، دسترسی به آموزش، و فرصت‌های شغلی برای گروه‌های نژادی خاص محدود می‌شود. این وضع نه تنها بر زندگی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه به بی‌اعتمادی و تنش‌های اجتماعی دامن می‌زند. برابری و عدالت در راستای حقوق بشر نیازمند ترویج آگاهی، اصلاحات قانونی، و ایجاد یک سیستم قضایی مستقل است. تنها با پایبندی به اصول برابری، می‌توان به سطحی از عدالت واقعی در جوامع آسیب‌دیده دست یافت.

۳. حق به زندگی و امنیت: در نظام‌های آپارتاید، افراد ممکن است به دلیل نژاد یا قومیت خود با تهدیدات جدی به زندگی و امنیت روبرو شوند. این امر نقض آشکار حق به زندگی است. حقوق بشر و آپارتاید به‌طور مستقیم به حق زندگی و امنیت مرتبط هستند. آپارتاید، به عنوان یک نظام تبعیض‌آمیز، به نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود و این موضوع به طور خاص بر حق زندگی و امنیت افراد تأثیر می‌گذارد. در چنین نظام‌هایی، اقلیت‌ها معمولاً به‌طور غیرموجه‌ای مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و حق زندگی آن‌ها تهدید می‌شود.

نقض حق زندگی تحت آپارتاید می‌تواند شامل قتل‌های هدفمند، شکنجه و ناپدید شدن‌های غیرقانونی باشد. همچنین، نظام‌های آپارتاید به دلیل تبعیض‌های موجود، شرایط زندگی ناامن و نامناسبی را برای اقلیت‌ها ایجاد می‌کنند. در نتیجه، ترس از خشونت و آزار همواره در جوامع تحت فشار وجود دارد. حق امنیت نیز تحت تأثیر سیاست‌های ناعادلانه قرار می‌گیرد. افرادی که به دلایل نژادی یا قومی مورد تبعیض قرار می‌گیرند، معمولاً از حمایت‌های قانونی و حفاظت‌های لازم برخوردار نمی‌شوند. بنابراین، آپارتاید نه تنها حق زندگی را تهدید می‌کند بلکه امنیت روانی و اجتماعی را نیز دچار مخاطره می‌سازد.

۴. حقوق سیاسی و اجتماعی: آپارتاید معمولاً به انکار حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. افراد از حق رأی، مشارکت در دولت و دسترسی به خدمات اجتماعی محروم

می‌شوند حقوق بشر، به‌ویژه حقوق سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های آپارتاید به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در چنین نظام‌هایی، اقلیت‌ها معمولاً از حقوق سیاسی خود محروم می‌شوند و قادر به شرکت در فرآیندهای دموکراتیک نیستند. این به معنای عدم دسترسی به حق رأی، نامزدی در انتخابات و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.

نظام‌های آپارتاید همچنین به نقض حقوق اجتماعی منجر می‌شوند. اقلیت‌ها ممکن است از تحصیل، بهداشت و دیگر خدمات اجتماعی محروم شوند، که به نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود. به‌علاوه، قوانین تبعیض‌آمیز به طور مستقیم بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد و فرصت‌های شغلی آن‌ها را محدود می‌کند. عدم توانایی اقلیت‌ها در بیان آزادانه نظرات و دیدگاه‌های خود نیز یکی از ویژگی‌های بارز آپارتاید است. این محدودیت‌ها منجر به سرکوب فرهنگی و اجتماعی می‌شود و به فرهنگ تبعیض و نابرابری در جامعه کمک می‌کند. بنابراین، آپارتاید نه تنها حقوق سیاسی بلکه حقوق اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازد و عدالت و برابری را در جامعه مختل می‌کند.

۵. تبعیض در عدالت: در نظام‌های آپارتاید، دادگاه‌ها معمولاً تحت تأثیر نژاد و قومیت عمل می‌کنند. این نوع محاکمات ناعادلانه، امکان تحقق عدالت را از میان می‌برد حقوق بشر و آپارتاید به‌طور عمیق با موضوع تبعیض در عدالت مرتبط هستند. نظام‌های آپارتاید معمولاً به نابرابری‌های قانونی منجر می‌شوند و باعث می‌شوند که اقلیت‌ها از دسترسی عادلانه به عدالت محروم شوند. در این سیستم‌ها، افراد براساس نژاد یا قومیت خود، به‌طور سیستمی تحت تبعیض قرار می‌گیرند. تبعیض در عدالت می‌تواند به صورت ناعادلانه‌ای در فرآیندهای دادرسی، از جمله پلیس، محاکمه و صدور حکم تجلی یابد. اقلیت‌ها ممکن است به دلایل نژادی یا قومی بدون شواهد کافی متهم شوند و با دشواری‌هایی در دفاع از خود مواجه شوند. همچنین، احتمال صدور احکام ناعادلانه و مجازات‌های شدیدتر برای افراد اقلیت نیز وجود دارد. (موحد، ۴۵: ۱۳۸۱).

نظام‌های آپارتاید معمولاً حفاظت‌های قانونی را نادیده می‌گیرند و حقوق دفاعی افراد را زیر پا می‌گذارند. در نتیجه، این وضعیت منجر به سرکوب‌های مکرر از جانب نیروهای امنیتی می‌شود. علاوه بر این، تبعیض در عدالت باعث گسترش بی‌اعتمادی به سیستم قضائی می‌شود و احساس ناامنی و ناگویی را در جوامع ایجاد می‌کند. در نهایت، چنین تبعیض‌هایی نه تنها عدالت را مختل می‌کنند بلکه پایه‌های صلح و همبستگی اجتماعی را در معرض خطر قرار می‌دهند.

در نهایت، آپارتاید نه تنها موجب نقض حقوق بشر می‌شود، بلکه به بی‌اعتمادی و تنش‌های اجتماعی دامن می‌زند. بنابراین، ترویج و حمایت از حقوق بشر کلید مبارزه با آپارتاید و تحقق برابری در جوامع مختلف است. (نیازپور و خلیلی پاچی، ۲۹۶: ۱۴۰۳).

نظام دادرسی کیفری

نظام دادرسی کیفری در زمان آپارتاید به‌طور سیستماتیک تبعیض‌آمیز و ناعادلانه طراحی شده بود. این نظام عمدتاً بر پایه قوانین و آیین‌نامه‌های نژادی بنا شده بود که حقوق سیاسی، اجتماعی و انسانی اقلیت‌ها را نقض می‌کرد. اعلام جرم و پرونده‌سازی علیه اقلیت‌ها به راحتی و بدون نیاز به

شواهد کافی انجام می‌شد. پلیس و نیروهای امنیتی معمولاً وظیفه داشتند که بر اساس معیارهای قومی و نژادی، اقلیت‌ها را تحت نظارت قرار دهند. در این نظام، عدالت به‌طور جدی آسیب‌دیده بود و محاکم به‌طور تلقینی به نفع قدرت حاکم عمل می‌کردند. قضات تحت فشار سیاسی قرار داشتند و قادر به صدور احکام عادلانه نبودند.

حق دفاع متهمان به‌طور جدی نادیده گرفته می‌شد و وکلا معمولاً با محدودیت‌های شدید در دسترسی به پرونده‌ها و شواهد مواجه بودند. در بسیاری از موارد، متهمان به صرف اتهامات نژادی محاکمه می‌شدند و فرصت ارائه دفاع مناسب نداشتند. (سمیعی، ۶۲: ۱۳۳۳).

حقوق بشر در این نظام به‌طرز فاحشی نقض می‌شد و تکنیک‌های شکنجه و آزار و اذیت به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت تا اعترافات اجباری از متهمان گرفته شود. همچنین، کسانی که به فعالیت‌های سیاسی معترض بودند، اغلب با اتهامات جزایی مواجه می‌شدند و به صورت غیرقانونی بازداشت می‌شدند. در بسیاری از موارد، محاکم به‌جای عدالت و انصاف، ابزاری برای حفظ نظام حاکم بودند و نابرابری اجتماعی را تقویت می‌کردند. به همین دلیل، اعتماد جامعه به سیستم قضائی به‌طور کامل تخریب شد و این تبعیض سیستم‌مند منجر به بی‌اعتمادی در بین گروه‌های اجتماعی مختلف گردید. به‌طور کلی، نظام دادرسی کیفری در زمان آپارتاید نه تنها به نفع اقلیت‌ها نبود، بلکه خود عاملی برای حفظ نظام تبعیض‌آمیز و سرکوبگری به شمار می‌رفت که براساس اصول غیرانسانی و نژادپرستانه بنا شده بود. نظام دادرسی کیفری در زمان آپارتاید به‌صورت یک سیستم پیچیده و سرکوبگر عمل می‌کرد که با هدف تضییق حقوق اقلیت‌ها طراحی شده بود. این نظام در سه محور اصلی قابل بررسی است:

۱. قوانین نژادی و تبعیض‌آمیز: قوانین آپارتاید به‌خصوص در زمینه‌های جرم‌انگاری فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی عامدانه طراحی شده بودند تا به اقلیت‌ها آسیب بزنند. قوانینی مانند «قانون جنگل» به دولت اجازه می‌داد که با استفاده از زور و بدون شواهد کافی، افراد را بازداشت کند. همچنین، فعالیت‌هایی مانند اعتراضات یا تجمعات مسالمت‌آمیز به عنوان جرایم جدی تلقی می‌شدند. در دادگاه‌ها، متهمان به‌ندرت حق دفاع مناسب داشتند و به وکلای مستقل دسترسی نداشتند. همچنین، قضاوت‌ها معمولاً به نفع دولت و علیه متهمان صورت می‌گرفت. این قوانین و مقررات، نه تنها به نقض حقوق فردی منجر می‌شد، بلکه تأثیرات ویرانگری بر هویت و فرهنگ اقلیت‌ها نیز گذاشت. به‌طور کلی، نظام قضائی در این دوره به ابزاری برای حفظ سلطه و سرکوب اجتماعی تبدیل شد.

۲. نقض حقوق دفاعی: در نظام دادرسی آپارتاید، حقوق متهمان به‌طور جدی پایمال می‌شد. متهمان به‌ندرت به وکلای مستقل دسترسی داشتند و در بسیاری از موارد اجازه دفاع مناسب از خود را نداشتند. دادگاه‌ها به‌طور معمول به نفع دولت و علیه متهمان عمل می‌کردند و قضات تحت فشار سیاسی و اجتماعی قرار داشتند. بسیاری از پرونده‌ها به‌سرعت و بدون تحقیقات کافی رسیدگی می‌شد. در نظام دادرسی کیفری زمان آپارتاید، نقض حقوق دفاعی به‌صورت سازمان‌یافته انجام می‌شد. حق متهمان برای داشتن دفاع عادلانه به‌طور مستمر نادیده گرفته می‌شد و بسیاری

از آنها در شرایطی غیرعادلانه و تحت فشار روانی قرار می‌گرفتند. اعترافات اجباری و سوءاستفاده فیزیکی از متهمان برای احراز ندامت یا گناه‌کاری معمول بود.

فرآیندهای دادگاه‌ها به سرعت و با حداقل تحقیقات انجام می‌شد و قضات تحت تأثیر فشارهای سیاسی قرار داشتند. در بسیاری از موارد، رأی‌ها بر مبنای نژاد یا تمایلات سیاسی قضاوت می‌شد. این وضعیت باعث ایجاد بی‌اعتمادی به نظام قضائی شد و متهمان احساس می‌کردند که عدالت درباره آنها اجرا نمی‌شود. به این ترتیب، حقوق دفاعی به‌طور جدی و سیستماتیک نقض می‌شد.

۳. شکنجه و بدرفتاری: شکنجه و آزار و اذیت متهمان در زمان بازداشت، امری رایج بود. نیروهای امنیتی برای گرفتن اعترافات اجباری، از روش‌های خشونت‌آمیز و غیرانسانی استفاده می‌کردند. این شیوه‌ها نه تنها موجب آسیب جسمی و روانی به متهمان می‌شد، بلکه اهداف سیاسی و اجتماعی نظام آپارتاید را نیز تقویت می‌کرد. در نظام دادرسی کیفری دوران آپارتاید، شکنجه و بدرفتاری با متهمان به عنوان یک ابزار رایج استفاده می‌شد. مقامات امنیتی برای استخراج اعترافات، از روش‌های وحشیانه‌ای چون ضرب و شتم، برق صاعقه و آزار روانی استفاده می‌کردند. متهمان در بازداشتگاه‌ها تحت شرایط غیرانسانی قرار داشتند و با بی‌احترامی و تحقیر مواجه می‌شدند. بسیاری از افراد بدون هیچ دلیلی برای مدت‌های طولانی در حبس نگهداری می‌شدند. شکنجه در سطوح مختلف، از آزارهای جسمی و روانی تا تهدید به آسیب به خانواده‌ها، رایج بود. گزارش‌های متعددی از این نوع رفتارها وجود دارد که توجه جهانی را جلب کرد.

عدم پاسخ‌گویی دادگاه‌ها و نبود نظارت مستقل، اجازه می‌داد تا این رفتارها بدون مجازات باقی بماند. شکنجه و بدرفتاری نه تنها به نقض حقوق بشر منجر می‌شد، بلکه بر روحیه و هویت اجتماعی متهمان اثرات مخربی گذاشت. (اوروند، ۷۸: ۱۳۹۷). نظام آپارتاید سیستم‌های قضائی را به عنوان ابزاری برای حفظ سلطه خود به کار می‌گرفت و از طریق این سیستم، نه فقط حقوق فردی بلکه هویت فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌ها نیز تهدید می‌شد.

این نظام همچنین باعث ایجاد بی‌اعتمادی در جامعه می‌شد. بسیاری از افراد احساس می‌کردند که نظام قضائی نه تنها حامی حقوقشان نیست بلکه خود بخشی از مشکل است. به عبارت دیگر، نهادهای قضائی به الگویی برای نقض حقوق بشر تبدیل شدند که در آن، قضاوت‌ها و رأی‌ها نه بر اساس عدل و انصاف بلکه بر اساس نژاد و سیاست عمل می‌کردند.

در نهایت، این شرایط به شکل‌گیری مقاومت و اعتراض‌های گسترده منجر شد که در طول زمان به زیر سؤال رفتن ساختار آپارتاید و تلاش‌ها برای برقراری عدالت و برابری بیانجامید. هرچند که نظام آپارتاید برای مدتی طولانی پابرجا بود، اما نهایتاً با افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی، به زوال گرایید و زمینه‌ساز تغییرات اجتماعی و سیاسی عمیق‌تری شد. نظام دادرسی کیفری در زمان آپارتاید، ساختاری ناعادلانه و تبعیض‌آمیز داشت که به‌طور خاص بر اساس قوانین نژادی سازمان‌دهی شده بود. این نظام هدف خود را حفظ سلطه نژاد سفید و سرکوب مردمان سیاه‌پوست و اقلیت‌های دیگر قرار داده بود. متهمان به‌خاطر نژاد، مذهب یا عقاید سیاسی خود، به شکلی تبعیض‌آمیز محاکمه می‌شدند. بسیاری از قوانین، حقوق اساسی افراد را نادیده می‌گرفت و متهمان

غالباً از حق داشتن وکیل مستقل برخوردار نبودند. وکلای دولتی که در اختیار آنها قرار می‌گرفتند، معمولاً به نفع حکومت عمل می‌کردند.

محاكمات به سرعت و با حداقل شواهد انجام می‌شد و قضاوت‌ها تحت تأثیر فشارهای سیاسی قرار داشتند. شکنجه و بدرفتاری با متهمان، برای استخراج اعترافات و سرکوب اعتراضات، رایج بود. این اقدام‌ها نشان‌دهنده عدم وجود یک نظام قانونی مستقل و عادلانه بود. حق دفاع متهمان به‌طور مستمر نقض می‌شد و در بسیاری از موارد، ایشان تنها به اتهامات واهی و بی‌اساس متهم می‌شدند. بازداشت‌گاه‌ها به عنوان مکان‌های غیرانسانی، پر از آزار و شکنجه بودند و نظارت بر رفتار مقام‌ها وجود نداشت.

نظام قضائی به ابزاری برای سرکوب، سرقت هویت و از بین بردن فرهنگ‌های محلی تبدیل شده بود. این وضعیت، به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام قانونی و افزایش اعتراضات اجتماعی منجر گردید. در نهایت، این نظام دادرسی کیفری نه تنها عدالت را از جامعه سلب کرد، بلکه تأثیرات عمیقی بر روان و فرهنگ ملل مختلف گذاشت. (نظرزاده و زارع، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

تبعیض در محاكمات

تبعیض در محاكمات در زمان آپارتاید یکی از ویژگی‌های کلیدی ناعادلانه بودن نظام دادرسی کیفری در آن دوران بود. در زیر به برخی از جنبه‌های این تبعیض اشاره می‌شود:

۱. محاکمه‌های ناعادلانه: محاکمه‌های ناعادلانه در دوران آپارتاید نشان‌دهنده نابرابری‌های عمیق در نظام دادرسی کیفری این کشور بود. این فرآیندها غالباً با نادیده گرفتن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همراه بودند. بسیاری از آنها بدون داشتن وکیل یا دسترسی به دفاع عادلانه محاکمه می‌شدند. شواهد ناقص و اظهارنظرهای تبعیض‌آمیز به راحتی در دادگاه‌ها پذیرفته می‌شد. در این محاکم، خطراتی از جمله شکنجه و تهدیدهای جسمی علیه متهمان وجود داشت. علاوه بر این، قوانین تبعیض‌آمیز درباره‌ی حقایق نژادی صادق بود. نهادهای دولتی و نظامی به‌طور مستقیم در فرآیند قضایی دخالت می‌کردند. این وضعیت باعث افزایش بی‌اعتمادی به نظام قضایی و تشدید تنش‌های اجتماعی شد. در نهایت، این محاکمه‌ها نمادی از ظلم و نابرابری در جامعه بودند.

۲. پیش‌داوری در دادگاه‌ها: قاضی‌ها و دیگر مقامات قضایی بسیاری از اوقات با پیش‌داوری نسبت به متهمان سلجوقی عمل می‌کردند، که منجر به قضاوت‌های ناعادلانه می‌شد. پیش‌داوری در دادگاه‌ها در دوران آپارتاید به عنوان یک واقعیت نگران‌کننده و نظام‌مند مشاهده می‌شد. قاضی‌ها و دادستان‌ها غالباً تحت تأثیر پیش‌فرض‌های نژادی و فرهنگی قرار داشتند، که بر قضاوت‌هایشان تأثیر می‌گذاشت. از شواهد بی‌سند و اظهارات شاهدان غیرقابل اعتماد برای محاکمه افراد استفاده می‌شد. عدم تعادل در دسترسی به وکلای مدافع و منابع حقوقی نیز تأثیر زیادی در این پیش‌داوری داشت. اتهام‌ها معمولاً بر پایه‌های نادرست و سیاسی بنا می‌شدند. دادگاه‌ها برای جلوگیری از اعتراضات و نارضایتی‌ها، به شدت عمل می‌کردند. این وضعیت باعث افزایش حس بدبینی و نارضایتی در بین اقشار مختلف جامعه گردید. در کل، پیش‌داوری در دوران آپارتاید بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام ناعادلانه قضایی بود.

۳. عدم شفافیت: بسیاری از روندهای قضایی بدون شفافیت و در شرایط محرمانه انجام می‌شد، که به نفع دولت و علیه حقوق بشر بود. عدم شفافیت در نظام دادرسی کیفری دوران آپارتاید به‌وضوح یک چالش جدی محسوب می‌شد. بسیاری از محاکمات به‌صورت محرمانه و بدون حضور رسانه‌ها و ناظرین مستقل انجام می‌شدند. اطلاعات مربوط به روند دادرسی و اتهامات اغلب به‌صورت نادرست یا ناقص منتشر می‌شد. سیستم قضایی به‌طور عمدی از ارائه شفافیت در قوانین و رویه‌ها خودداری می‌کرد. متهمان معمولاً از حق دسترسی به پرونده‌های خود یا مشاوره حقوقی مناسب محروم بودند. در بسیاری از موارد، تصمیم‌گیری‌ها به‌جای مبنای قانونی، بر اساس تمایلات سیاسی و اجتماعی بوده است. گاهی اوقات شواهد و مدارک کاملاً مخفی مانده و از دسترس خارج می‌شدند. این عدم شفافیت به فسادهای احتمالی و اقدامات غیرقانونی در روند قضایی دامن می‌زد. در نهایت، این وضعیت موجب تشدید بی‌اعتمادی عمومی به نظام قضایی و نهادهای دولتی می‌شد. کلیدواژه‌های این دوران، تاریکی و عدم مسئولیت‌پذیری در نظام حقوقی بودند.

۴. زندانی کردن بدون محاکمه: برخی از افراد به مدت طولانی بدون محاکمه در زندان نگاه‌داشته می‌شدند، که مغایر با حقوق بشر بود. زندانی کردن بدون محاکمه: زندانی کردن بدون محاکمه در دوران آپارتاید بخشی از سیاست‌های سرکوبگرانه دولت بود که به هدف کنترل و سرکوب مخالفان سیاسی و جامعه اعمال می‌شد. این سیاست‌ها به‌ویژه پس از تصویب «قانون امنیت داخلی» در دهه ۱۹۶۰ به شدت افزایش یافت. بر اساس این قانون، مقامات دولتی اجازه داشتند افراد مشکوک به فعالیت‌های ضد دولتی را بدون نیاز به محاکمه، برای مدت‌های طولانی زندانی کنند. این زندانی‌ها عموماً تحت عنوان «نگهداری امنیتی» یا «ازداشت پیشگیرانه» مورد هدف قرار می‌گرفتند. افراد می‌توانستند به صرف برچسب‌های مبهم مانند «تهدید امنیت ملی» یا «مشارکت در فعالیت‌های تروریستی» دستگیر شوند. زندانیان بدون محاکمه اغلب به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم می‌شدند و در شرایطی نامناسب و غالباً در زندان‌های مخفی نگهداری می‌شدند. این روش موجب عدم شفافیت و نقض شدید حقوق بشر شد. بسیاری از زندانیان از حق دسترسی به وکیل یا ارتباط با خانواده خود محروم بودند. مدت‌ها، این روش‌ها به‌عنوان ابزاری برای ارعاب و سرکوب جامعه و فعالان سیاسی به کار می‌رفت. یازده موسسه شاهد، قربانیان را در شرایط غیرانسانی و به دور از هر گونه عدالت نگه می‌داشتند. تکنیک‌های بازجویی شامل شکنجه و بدرفتاری فیزیکی و روانی بود، که به شدت بر سلامت روانی و جسمی زندانیان تأثیر می‌گذاشت. این بازداشت‌ها به‌عنوان بخشی از استراتژی دولتی برای حفظ قدرت و کنترل بر روی جامعه تلقی می‌شد. علی‌رغم فشارهای بین‌المللی، دولت آپارتاید به این روش‌های غیرعادلانه ادامه می‌داد و به‌شدت با هر گونه اعتراضی مقابله می‌کرد. مقاومت داخلی و فشار جهانی علیه اینگونه رفتارها نهایتاً به تغییرات سیاسی و اجتماعی منجر شد و نهایتاً به پایان آپارتاید و برقراری یک نظام دموکراتیک انجامید. این وقایع نشان‌دهنده زوایای تاریک و تأثیرات عمیق آن بر روی زندگی افراد و جامعه است. یادآوری این تاریخ، به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از جنبه‌های مختلف حقوق بشر و عدالت

اجتماعی پیدا کنیم. زندانی کردن و تبعید بدون محاکمه، ابزاری بود که دولت آپارتاید برای حفظ قدرت و کنترل مردم به کار می‌برد. (زکوی مهدی و پرتوی، ۲۶: ۱۴۰۱).

۵. قوانین ناعادلانه: قوانین خاصی از جمله «قوانین امنیتی» به دولت اجازه می‌داد تا افراد را بدون شواهد کافی بازداشت و محاکمه کند. در دوران آپارتاید، قوانین ناعادلانه در نظام دادرسی کیفری براساس منطق تبعیض و کنترل اجتماعات وضع می‌شدند. این قوانین عموماً به منظور حفظ قدرت سیاسی و اقتصادی یک گروه خاص طراحی شده بودند. متهمان به سادگی بدون شواهد کافی و اصول قانونی محاکمه می‌شدند، و حق دفاع نیز محدود بود. اختیارات پلیس و نیروهای امنیتی برای بازداشت و تعقیب متهمان به طور قابل توجهی تقویت شده بود. محاکمات اغلب به دور از شفافیت و نظارت قضایی انجام می‌شدند و دسترسی به اطلاعات محدود بود. تجارب قضایی معمولاً به نفع نظام حاکم پیش می‌رفت و قاضی‌ها از خودمختاری کافی برخوردار نبودند. عدم رعایت اصول ابتدایی حقوق بشر و عدالت در فرایند دادرسی شایع بود. مجازات‌ها بر اساس انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی تعیین می‌شدند و اعتبار سیستم قضایی به شدت آسیب می‌دید. این وضعیت منجر به نارضایتی عمیق و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای قضایی گردید. در نهایت، قوانین ناعادلانه به عنوان ابزاری برای سرکوب و کنترل اجتماعی عمل می‌کردند. (رمضانی راد، ۶۷: ۱۳۹۹).

جرم انگاری آپارتاید

جرم انگاری آپارتاید در نظام دادرسی کیفری به عنوان ابزاری استراتژیک برای حفظ نظام تفکیک نژادی عمل می‌کرد. این رویکرد به وضوح در قوانین مختلف مشاهده می‌شد که به نوعی مراسم و فعالیت‌های مخالف‌خوانی را جرم‌انگاری می‌کردند. اعتراضات و تجمعات عمومی به سرعت به عنوان جنایات بزرگ شناخته می‌شدند و معترضان با مجازات‌های سختی مواجه می‌شدند. قوانین به گونه‌ای طراحی شده بودند که هرگونه رفتار مخالف با اصول آپارتاید، حتی اگر مسالمت‌آمیز هم بود، به عنوان تهدیدی بر امنیت ملی تلقی شود. (افراسیابی و همکاران، ۱: ۱۳۹۷).

در این نظام، اقداماتی مانند گفتگو، نوشته و یا فعالیت‌های اجتماعی نیز ممکن بود به عنوان جرم شناخته شوند. متهمان به ویژه در محاکمات سیاسی از حداقل حقوق قانونی مانند حق دسترسی به وکیل محروم بودند. روند دادرسی اغلب ناعادلانه و سریع انجام می‌شد، و قاضی‌ها تحت فشار قدرت‌های سیاسی تصمیم‌گیری می‌کردند. اتهامات ممکن بود بدون مستندات کافی و صرفاً بر اساس گزارش‌های نیروهای امنیتی مطرح شوند.

همچنین، قوانین خاصی نظیر «قوانین ضد تروریسم» به شدت تقویت شده بودند و هرگونه ادعای موجودیتی برای مقاومت می‌توانست به عنوان فعالیت تروریستی محکوم شود. در این فضا، بسیاری از فعالان حقوق بشر و مخالفان سیاسی به راحتی دستگیر و به زندان افتادند. برخی از قوانین به طور خاص، مانند قوانین «سکوت» برای جلوگیری از هرگونه انتقاد و نارضایتی وضع شده بودند. به طور کلی، جرم انگاری آپارتاید به منزله ابزاری برای سرکوب و کنترل اجتماعی عمل کرد و حقوق بشر را به طور جدی نقض نمود. این نظام نه تنها به فرایندهای قضایی آسیب می‌زد، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای جامعه را نیز تضعیف می‌کرد. متدهای ترس و محدودیت در این زمینه،

تأثیر عمیقی بر جامعه گذاشت. در نهایت، جرم انگاری آپارتاید به نحوی بنیادین حقوق اساسی و انسانی را تهدید کرد و تبعیض‌های سیستماتیک را تثبیت نمود. (پولادوند، ۲۴: ۱۳۹۴).

راهکاری‌های مؤثر برای رفع آپارتاید: رفع آپارتاید در نظام دادرسی کیفری نیازمند اقداماتی جامع و مؤثر است که می‌تواند به اصلاح سیستم قضایی و حفظ حقوق بشر منجر شود. یکی از نخستین گام‌ها، بازنگری و اصلاح قوانین ناعادلانه است. وضع قانونی جدید باید بر پایه اصول برابری، شفافیت و احترام به حقوق فردی بنا شود. آموزش و آگاهی‌بخشی به قضات، وکلا و کارکنان نظام قضایی درباره حقوق بشر و عدالت اجتماعی نیز اهمیت دارد. ایجاد برنامه‌های آموزشی می‌تواند به بهبود نگرش‌ها و رفتارها در دادرسی‌ها منجر شود. تقویت نهادهای نظارتی مانند کمیسیون‌های مستقل حقوق بشر، برای بررسی موارد نقض قوانین و ارائه گزارش‌های شفاف و عادلانه ضروری است. این نهادها باید بتوانند به‌طور مستقل از قدرت‌های سیاسی عمل کنند. ایجاد امکان دسترسی به وکلای مستقل و با تجربه برای متهمان، به ویژه در موارد سیاسی، یکی دیگر از اقدامات حیاتی است. این امکان می‌تواند احساس امنیت و عدالت در جامعه را تقویت کند.

توسعه و اجرای مکانیزم‌های دقیق نظارت بر فرایندهای دادرسی، شامل ضبط و ثبت جلسات محاکمه و دسترسی عمومی به دادگاه‌ها، به افزایش شفافیت کمک خواهد کرد. اعطای حق برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز و اعتراضات به‌عنوان بخشی از حق آزادی بیان نیز باید در چارچوب قانونی تضمین شود. همچنین، ایجاد مکانیسم‌های جبران خسارت برای قربانیان نقض حقوق بشر و ضمانت اجرای عدالت می‌تواند از تکرار ظلم جلوگیری کند. تشکیل نهادهای میانجیگری و مذاکره برای حل منازعات به‌جای مجازات‌های سخت و ناعادلانه، به کاهش تنش‌های اجتماعی و فرهنگی کمک می‌کند. نهایتاً، تجدید نظر در سیاست‌های امنیتی و تقویت رویکردهای انسانی در برخورد با متهمان، از جمله اولویت‌های اساسی خواهد بود. این رویکردها می‌توانند به بازسازی اعتماد عمومی به نظام قضایی منجر شوند و زمینه را برای ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر فراهم کنند.

برای رفع آپارتاید در نظام دادرسی کیفری ایجاد یک سیستم عدالت‌محور و برابر می‌باشد. لازم است قوانین نامتناسب که باعث نابرابری در حقوق متهمان و شاکیان می‌شود، شناسایی و اصلاح شوند. باید قوانین جدیدی وضع شود که به صراحت بر اصل برابری تأکید کنند.

برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و وکلا در زمینه حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حقوق متهمان ضروری است. این آموزش‌ها باید شامل مباحثی مانند احترام به کرامت انسانی و تعهد به بی‌طرفی باشد. تقویت نهادهایی مانند کمیسیون‌های مستقل حقوق بشر که با قدرت و بی‌طرفانه به بررسی موارد نقض حقوق بشر می‌پردازند، از اهمیت بالایی برخوردار است. این نهادها باید قدرت لازم برای تحقیق و ارائه و گزارش به مقامات را داشته باشند. ایجاد مکانیزم‌های نظارتی دقیق بر دادرسی‌ها امری الزامی است. این نظارت باید شامل ضبط و ثبت جلسات دادگاه و ارائه دسترسی عمومی به اطلاعات محاکمه‌ها باشد تا شفافیت به سیستم قضایی اضافه شود.

تأمین حق برگزاری تجمعات و اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌تواند به مردم کمک کند تا صدای خود را در مقابل نابرابری‌ها بیان کنند. این ضروری است که تضمین‌های قانونی برای حفظ این حق

وجود داشته باشد. باید مکانیسم‌های مؤثری برای جبران خسارت به قربانیان نقض حقوق بشر وجود داشته باشد. این برنامه‌ها نه تنها به قربانیان کمک می‌کند بلکه به عنوان یک ابزار پیشگیری برای جلوگیری از تکرار نقایص در آینده عمل می‌کنند.

ایجاد سازوکارهایی برای دریافت بازخورد از جامعه درباره عملکرد نظام دادرسی می‌تواند به شفافیت و بهبود نقاط ضعف کمک کند. نظرسنجی‌ها و مشورت با مردم، این بازخورد را فراهم می‌آورد. با اجرای این راهکارها و ایجاد یک سیستم دادرسی کیفری عادلانه، می‌توان گام‌های مؤثری در راستای رفع آپارتاید و تأمین حقوق بشر برداشت. (باقرزاده، ۷۱: ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری

آپارتاید به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، تأثیرات عمیقی بر نظام دادرسی کیفری دارد. در نظام‌های دادرسی که با تبعیض نژادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کنند، عدالت به طور جدی نقض می‌شود. اصول بنیادین عدالت، شامل برابری، شفافیت و دسترسی به عدالت، تحت تأثیر تبعیض قرار می‌گیرند. متهمان و بزه‌دیدگان به دلیل نژاد، مذهب یا وضعیت اجتماعی خود ممکن است با برخورد‌های ناعادلانه و تبعیض‌آمیز مواجه شوند.

در این نظام‌ها، ساختارهای قانونی و مدیریتی معمولاً به نفع گروه‌های خاصی طراحی شده‌اند که منجر به نادیده گرفتن حقوق دیگران می‌شود. این امر می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به نظام قضائی کاهش دهد و افراد زیادی را از پیگیری حقوق خود بازدارد. در نتیجه، وجود تبعیض در دادرسی کیفری نه تنها بر عدالت فردی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه بر کل ساختار اجتماعی نیز سایه می‌اندازد.

برای مقابله با این چالش‌ها، ضروری است که نظام‌های قضائی به‌طور سیستماتیک بازنگری و اصلاح شوند. اجرای قوانین ضد تبعیض، آموزش قضات و ماموران اجرایی در زمینه حقوق بشر و ترویج فرهنگ برابری در جامعه از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به کاهش تبعیض کمک کنند.

علاوه بر این، نظارت بین‌المللی و حمایت از سازمان‌های غیردولتی فعال در این حوزه می‌تواند به پیشبرد عدالت و برابری کمک کند. افزایش شفافیت در فرآیندهای دادرسی و تضمین دسترسی برابر به وکیل و اطلاعات از دیگر اقدامات ضروری است.

به‌طور خلاصه، رفع آپارتاید در نظام دادرسی کیفری نیازمند تلاش جمعی و هماهنگ است. دستیابی به یک نظام دادرسی عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز نه تنها به نفع باقر زاده، محمدرضا (۱۴۰۱). ابزارهای مقابله جمهوری اسلامی ایران با موارد بین‌المللی نقض حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱، ۷۱-۹۴. افراد آسیب‌دیده بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. تحقق این هدف مستلزم اراده سیاسی، همکاری بین‌المللی و مشارکت فعال جامعه مدنی است.

منابع

- (۱) آقا حسینی، علیرضا (۱۳۸۷). آپارتاید، ظهور و سقوط، تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۵، ۱۲۸-۱۶۲.
- (۲) عامری، زهرا و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۶). حقوق بشر و نظام عدالت کیفری، انتشارات خرسندی.
- (۳) نیازپور، امیرحسین و خلیلی پاجی، عارف (۱۴۰۳). عدالت کیفری فناورانه و حقوق بشر، مجموعه مقاله‌ها، انتشارات میزان.
- (۴) زارع کهنمویی، اصغر (۱۳۹۴). کتاب برابری و رفع تبعیض، انتشارات موعام.
- (۵) افراسیابی، صابر؛ خوئینی، غفور و مجتهد سلیمانی، ابوالحسن (۱۳۹۸).
- (۶) مبانی حقوق و اخلاقی جرم انگاری در حقوق کیفری ایران، اخلاق در علوم و فناوری، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱-۶.
- (۷) ولایتی، خالید؛ نوروزی، علیرضا (۱۳۸۷). بررسی میزان همکاری‌های علمی ایران و کشورهای هم جوار در تألیف مشترک از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷، سیاست علم و فناوری، دوره ۱، شماره ۴، ۷۳-۸۲.
- (۸) باقر زاده، محمدرضا (۱۴۰۱). ابزارهای مقابله جمهوری اسلامی ایران با موارد بین‌المللی نقض حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۱، ۷۱-۹۴.
- (۹) یوسفی، فرهاد (۱۳۹۹). انسان و جامعه، انتشارات اردوی سوره، تهران.
- (۱۰) نظرزاده، زارع، محسن (۱۳۹۷). شناسایی موانع تعاملات بین‌المللی اعضای هیأت علمی، رویکردی کیفی، علوم تربیتی، دوره ۲۵، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۷۹-۱۹۶.
- (۱۱) مرندی، الهه و قربانی، اعظم (۱۴۰۰). مبانی و سازوکارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲، ۷۹-۱۰۲.
- (۱۲) رضانی راد، علیرضا (۱۳۹۹). تبیین سازوکار دیوان کیفری بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر، معارف فقه علوی، سال ۶، شماره ۱۱، ۴۸-۶۷.
- (۱۳) زکوی مهدی و علی، پرتوی (۱۴۰۱). بررسی جایگاه نهادهای بین‌المللی در جهان شمولی حقوق بشر، مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲، ۷-۲۸.
- (۱۴) گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۰). عدالت، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ۹۹-۱۱۲.
- (۱۵) موحد، محمدعلی (۱۳۸۱). در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، انتشارات کارنامه.
- (۱۶) پولادوند، نسترن (۱۳۹۴). جرم انگاری در پرتو ارزش‌های یک جامعه، اولین کنفرانس ملی پژوهش مدرن در حقوق و علوم اجتماعی، شیراز.
- (۱۷) نوربها، رضا (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج و دانش، تهران.
- (۱۸) سمیعی، حسن (۱۳۳۳). حقوق جزا، چاپخانه شرکت مطبوعات، تهران.
- (۱۹) مدرس، فخر (۱۳۵۰). عدالت، نشریه مهنه قضایی، شماره ۶۶، ۲۹-۳۴.
- (۲۰) یوسفی اوروند، فاطمه (۱۳۹۷). اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کیفری، ندای کار آفرین.
- (۲۱) فخاری حسین، سلیمانی داوود و دارایی محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی اثرات تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد شرکت‌های بنیان کشور، سیاست علم و فناوری، دوره ۵، شماره ۳، ۱-۱۶.